

An Investigation into Four Aspects of the Interaction between the Bazaar and the Clergy in Mashhad: From Traditional Affiliation to Revolutionary Agency (1974–1979)

Hoda Rezapour¹ 

1. Master's degree, History of the Islamic Revolution of Iran, Independent researcher. hodarezapour1371@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 8 April 2025

Received from revised: 19 August 2025

Accepted: 21 September 2025

Available online: 22 September 2025

Keywords:

The Bazaar,

The Clergy,

Mashhad,

Islamic Revolution,

Religion-Political Relationship.

Abstract

Introduction

The Islamic Revolution of Iran can be considered the outcome of the agency and institutional connection between different social institutions. In this regard, the Bazaar and the Clergy, as two traditional and socio-historical entities, played a significant and complementary role. The city of Mashhad, characterized by its profound religious heritage with the presence of high-ranking Maraje' (religious authorities) and devout merchants, was the main canon for revolutionary mobilization. This study tried to see what interactions happened between the Bazaar and the Clergy in Mashhad from 1974 to 1979, and how this interaction empowered the revolutionary movement. The main hypothesis was that an overlapping and interactive network between the two entities constituted the main factor for fortifying the movements of the public.

Materials and Methods

This study used a descriptive-analytical method and collected data from library sources and archives, including the Islamic Revolution Documents Center, the National Archive of Iran, and the Document Center of Astan Quds Razavi. Furthermore, it incorporated oral history interviews with key activists from Mashhad's revolutionary era. To reveal the complexities of this relationship, the data were analyzed with respect to religious, economic, socio-cultural, and political aspects.

Discussion and Conclusion

The findings showed that this institutional relationship manifested across four distinct yet interconnected spheres

1) Religious aspect: The Bazaar facilitated the dissemination of clerical discourse by hosting religious congregations and providing logistical support for religious entities.

2) Economic aspect: Merchants were a significant support of the movement as they financially supported religious activities and provided aid to the families of political detainees.

Rezapour, Hoda. (2026). An Investigation into Four Aspects of the Interaction between the Bazaar and the Clergy in Mashhad: From Traditional Affiliation to Revolutionary Agency (1974–1979), 4(1), 5-23. *Journal of Documentary and Archival Studies*.



© The Author(s) retain the copyright.

Publisher: The Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan-e Quds Razavi.

DOI: <https://doi.org/10.30481/psa.2026.252041>

- 3) Socio-cultural aspect: The Bazaar became a center for the exchange of intellectual thought and the distribution of proclamations, and effectively functioned as a living medium.
- 4) Political aspect: The ideological alignment of the two entities resulted in the systematic organization of protests and imposed a challenge to the Pahlavi regime.

The results of this study confirmed the primary hypothesis that cooperation between the Bazaar and the Clergy in Mashhad was the main driver of the people's protest. Their traditional bond underwent a functional transformation into a revolutionary apparatus during the last years of the Pahlavi. This study showed that the Islamic Revolution of Iran was not merely the result of the actions of the elite, but rather it emanated from a historical and public coalition. This case study confirmed that analyzing traditional institutional interactions in local contexts yields a more profound understanding of the mechanisms by which the public is mobilized.



بررسی ابعاد چهارگانه تعامل بازار و روحانیت در مشهد: از پیوند سنتی تا کنش انقلابی (۱۳۵۳-۱۳۵۷ش)

هدی رضاپور^۱

۱. کارشناسی ارشد، تاریخ انقلاب اسلامی ایران، پژوهشگر مستقل. hodarezapour1371@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

کلیدواژه‌ها:

بازار،

روحانیت،

مشهد،

انقلاب اسلامی،

پیوند مذهبی - سیاسی.

پژوهش حاضر به بررسی چگونگی تعامل و پیوند میان دو نهاد اقتصادی - مذهبی مهم (بازار و روحانیت) در بستر اجتماعی شهر مشهد در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. این پژوهش بر این مدعاست که در مشهد، به‌عنوان یکی از کانون‌های برجسته مذهبی و سیاسی کشور، رابطه‌ای پیچیده، چندلایه و درهم‌تنیده میان این دو نهاد شکل‌گرفته بود که نقشی اساسی در هدایت تحولات انقلابی ایفا کرده است. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه نهادهای بازار و روحانیت در زمینه‌های مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با یکدیگر در ارتباط قرار داشته و این ارتباط چه تأثیری بر تقویت جنبش‌های مردمی در مشهد داشته است؟ مبنی بر یافته‌های پژوهش، وجود شبکه‌ای همپوشان و تعاملی میان بازار و روحانیت، عامل کلیدی در تقویت جنبش‌های مردمی و مقاومت علیه حکومت پهلوی بوده است. همچنین، این دو نهاد در یک پیوند استراتژیک و حمایتی، نقش مکملی ایفا کرده‌اند، به‌گونه‌ای که بازار از روحانیت مشروعیت و هدایت می‌گرفت و روحانیت از بازار حمایت مالی و اجتماعی دریافت می‌کرد.

استناد: رضاپور، هدی (۱۴۰۵). بررسی ابعاد چهارگانه تعامل بازار و روحانیت در مشهد: از پیوند سنتی تا کنش انقلابی (۱۳۵۳-۱۳۵۷ش). (۱)۴، ۲۳ - ۵.

پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی. <https://doi.org/10.30481/psa.2026.252041>



© نویسندگان.

ناشر: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های مردمی معاصر، حاصل کنشگری و پیوند میان نهادهای متعدد اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بود. در این میان، دو نهاد سنتی و تاریخی، بازار و روحانیت، نقشی برجسته و مکمل در شکل‌گیری، تداوم و پیروزی این نهضت ایفا کردند. شهر مشهد، با پیشینه‌ای مذهبی و حضور پررنگ مراجع تقلید، حوزه‌های علمیه، مساجد تاریخی و بازاریان متدین، از جمله مهم‌ترین کانون‌های خیزش انقلابی در دهه ۱۳۵۰ش به شمار می‌رفت. رابطه‌ای عمیق، چندلایه و تاریخی میان بازار و روحانیت در این شهر، از دیرباز در قالب پرداخت وجوهای شرعی، حمایت مالی و اجتماعی از نهاد دین و همچنین بهره‌مندی بازاریان از مشروعیت مذهبی روحانیت برقرار بوده است؛ رابطه‌ای که در دهه ۱۳۵۰ش به سطحی تازه و انقلابی ارتقا یافت. اگرچه در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، بازار و روحانیت در بسیاری از شهرهای ایران در کنار یکدیگر قرار گرفتند، اما در مشهد این ارتباط، به واسطه جایگاه بی‌بدیل مذهبی و تجمع نهادهای مذهبی و اقتصادی حول حرم رضوی، ابعاد ویژه‌ای یافت. با این حال، درک سازوکارها، پویایی و ابعاد گوناگون این تعامل منحصربه‌فرد در بستر محلی مشهد همچنان نیازمند پژوهش است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که تعامل بازار و روحانیت در مشهد طی ۱۳۵۳-۱۳۵۷ش در چه ابعادی (مذهبی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی) صورت گرفت و این پیوند چندوجهی چگونه به تقویت و پیشبرد جنبش انقلابی در این کلان‌شهر مذهبی منجر شد؟

پیشینه پژوهش

مرور نظام‌مند پیشینه پژوهش‌های مرتبط، امکان درک دقیق‌تر جایگاه این تحقیق را فراهم می‌آورد. مطالعات در این حوزه را می‌توان در سه سطح کلان ملی، منطقه‌ای و موضوعی دسته‌بندی نمود. در سطح ملی، پژوهش‌های ارزشمندی به رابطه کانونی بازار و روحانیت در شکل‌گیری انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، اما عموماً بر پایتخت و عرصه ملی متمرکز بوده و ویژگی‌های منحصربه‌فرد شهرهای مذهبی مانند مشهد را نادیده گرفته‌اند. در حوزه مطالعات منطقه‌ای مشهد، پژوهش‌های موجود را می‌توان در سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرد. مطالعات تاریخی-روایی: آثاری همچون *انقلاب اسلامی در مشهد اثر جلالی (۱۳۹۲)* به ارائه روایتی دقیق و مبتنی بر اسناد از رخدادها پرداخته‌اند. نقطه قوت این آثار ثبت جزئیات تاریخی است، اما عموماً از تحلیل جامعه‌شناختی و تبیین سازوکارهای تعامل نهادها فاصله دارند. مطالعات اجتماعی-اقتصادی: پژوهش‌هایی مانند *تاریخ معاصر مشهد اثر سید قطبی (۱۳۹۶)* و به ویژه *تاریخ اقتصادی مشهد* اثر نجف‌زاده و همکاران (۱۴۰۳) و *گروه‌های مهاجر به مشهد اثر نجف‌زاده (۱۳۹۲)*، بستر اجتماعی، اقتصادی و قومیتی شهر را با دقت تحلیل کرده‌اند. این آثار برای درک بستر فعالیت بازار و روحانیت ضروری هستند، اما رابطه مستقیم و تعامل این دو نهاد را به عنوان موضوع اصلی خود بررسی نکرده‌اند. مطالعات موضوعی: این مقاله مستقیماً مبتنی بر داده‌ها و یافته‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده با عنوان «بررسی حضور بازاریان و اصناف مشهد در پیروزی انقلاب اسلامی» (رضاپور، ۱۳۹۸) است. این پایان‌نامه با ارائه تحلیلی چهاربعدی (مذهبی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی) از تعامل بازار و روحانیت در مشهد، گامی نوآورانه در مطالعات محلی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. مقاله حاضر با تمرکز ویژه بر این چارچوب تحلیلی منسجم، به بازخوانی و تقویت نظام‌مند این یافته‌ها می‌پردازد. ارزش این مقاله در ارائه مستقل و متمرکز این تحلیل در قالب مقاله‌ای علمی است که دسترسی به این چارچوب تحلیلی را برای جامعه دانشگاهی به صورت گسترده‌تر فراهم می‌کند. این چارچوب به درک بهتر سازوکارهای هم‌افزایی این نهادها در مشهد کمک نموده و به عنوان الگویی تحلیلی برای مطالعه نقش شهرهای مذهبی در جنبش‌های اجتماعی ایران کاربرد دارد. بنابراین، تمایز و ارزش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه با اتکا بر روشی ترکیبی مبتنی بر تحلیل اسناد

آرشیوی مراکزی همچون کتابخانه ملی و آستان قدس رضوی و نیز تاریخ شفاهی (مصاحبه با کنشگران آن دوره)، تحلیلی چهاربعدی (مذهبی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی) از تعامل بازار و روحانیت در مشهد را ارائه می‌دهد که نخستین بار در پایان‌نامه نگارنده (رضاپور، ۱۳۹۸) مطرح شد. این مقاله با ارائه مستقل و متمرکز این چارچوب تحلیلی، به دنبال کشف نظام‌مند شبکه‌های ارتباطی، روابط متقابل و سازوکارهای هم‌افزایی این دو نهاد است تا نشان دهد این تعامل چندلایه چگونه به بسیج گسترده مردمی و مقاومت سیاسی در برابر رژیم پهلوی منجر شد. اهمیت این پژوهش نه تنها در تحلیل دقیق‌تر انقلاب اسلامی در مشهد، بلکه در ارائه الگویی برای فهم نقش و کارکرد شهرهای مذهبی در جنبش‌های اجتماعی - سیاسی ایران است. برای تحقق این هدف، مقاله در چارچوب تحلیلی چهاربعدی سازمان یافته است. این چارچوب به بررسی نظام‌مند ابعاد گوناگون تعامل بازار و روحانیت در مشهد می‌پردازد. نخست، بعد مذهبی که به تحلیل مشروعیت بخشی روحانیت، نقش نهادهای مذهبی و انتقال مفاهیم دینی به عرصه کنش اجتماعی می‌پردازد. دوم، بعد اقتصادی که سازوکارهای حمایت مالی بازاریان از نهاد روحانیت و شبکه‌های معیشتی مشترک را بررسی می‌کند. سوم، بعد اجتماعی - فرهنگی که جلوه‌های مناسکی، روابط اجتماعی و پیوندهای فرهنگی این دو نهاد را تحلیل می‌کند. چهارم، بعد سیاسی که همراهی استراتژیک بازار و روحانیت در عرصه مبارزه و بسیج مردمی را مورد واکاوی قرار می‌دهد. در پایان، با تلفیق یافته‌های این چهار بعد و با تکیه بر داده‌های آرشیوی و تاریخ شفاهی، الگوی تعامل بازار و روحانیت در مشهد به عنوان نمونه‌ای شاخص از پیوند نهادهای سنتی در جنبش‌های اجتماعی - مذهبی ایران تبیین خواهد شد. این تحلیل نه تنها به درک بهتر سازوکارهای هم‌افزایی این دو نهاد در مشهد کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان الگویی تحلیلی برای مطالعه نقش شهرهای مذهبی در جنبش‌های اجتماعی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد تاریخی و بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته است تا تعاملات پیچیده بازار و روحانیت در مشهد (۱۳۵۳-۱۳۵۷) را واکاوی نماید. فرآیند گردآوری داده‌ها به صورت چندگانه طراحی شده است. بدین معنا که منابع کتابخانه‌ای در کنار اسناد دست اول آرشیوی (شامل اسناد سازمان ملی، آستان قدس، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و اسناد ساواک) و شواهد تاریخ شفاهی (مصاحبه با کنشگران آن دوره)، به مثابه مثلث داده‌کاوی عمل کرده‌اند. در مرحله تحلیل، داده‌های استخراج شده در چارچوب مدل چهاربعدی (مذهبی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی) کدگذاری و دسته‌بندی شدند. این شیوه تحلیل به جای تقلیل رویدادها به توصیفی ساده، به تبیین دقیق سازوکارهای هم‌افزایی میان این دو نهاد سنتی در بستری پویا و انقلابی منجر شده است.

تبارشناسی بازار مشهد

شهر مشهد با توجه به موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و مذهبی، هرساله مهاجرین زیادی را از سراسر کشور و یا کشورهای همسایه می‌پذیرد. با توجه به مهاجرت‌های صورت گرفته در طی سالیان، جمعیت مشهد شامل اقوام، ادیان و گروه‌های مختلف است. مهاجرت به مشهد دلایل مختلفی دارد که شامل فقر، بیکاری، خشک سالی، زیارت، تجارت و تبعید است. برخی از این گروه‌ها مختص خراسان بوده‌اند و برخی ادیان از زمان نادرشاه به مشهد کوچ داده و ساکن شدند. برخی از این افراد به تدریج در فرهنگ و اجتماع مشهد ترکیب شده و برخی نیز اصالت خود را حفظ کرده‌اند. این افراد که اغلب به صورت گروهی، قومی و دسته‌جمعی به مشهد مهاجرت می‌کردند، در یکی از محلات مشهد سکنی گزیده و آن خیابان یا محله را به خود اختصاص می‌دادند. با طرح توسعه خیابان‌های مشهد در ۱۳۴۸ش، به تدریج برخی از افرادی که توان مالی خوبی داشتند، به قسمت‌های جدید شهر مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شدند. ساکنان مهاجر مشهد اکثراً

پس از سکونت به مشاغل آزاد اعم از تجارت، خرده‌فروشی و غیره بر اساس توان مالی روی آوردند. بازار مشهد در اطراف حرم قرار داشت و کل شهر حول محور مرقد مطهر حضرت رضا(ع) ایجاد شده بود. به این گونه که حرم در مرکز شهر، بازار در اطراف حرم و مناطق مسکونی در خارج از بازار قرار داشت. بازار بزرگ مشهد که دچار انشعاباتی شده بود، به نوعی بازار رقابتی را ایجاد کرد و کسبه در این بازارها در کنار یکدیگر با زبان، فرهنگ، دین و مذهب مختلف به فعالیت می‌پرداختند. این بازار متشکل از گروه‌های مختلفی بود که هر یک در محلات خاصی سکنی گزیده و در مشاغل تخصصی فعال بودند که عموماً از موطن پیشین خود به همراه آورده بودند. جدول زیر گویای این تنوع چشمگیر در بافت بازار مشهد در دوره مورد مطالعه است (جدول ۱).

جدول ۱: تبارشناسی بازار مشهد (نحف‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۰-۱۱۵)

گروه (قومیت/ منطقه)	محلات/ مراکز اصلی فعالیت	مشاغل و تخصص‌های عمده	وضعیت اقتصادی کلی
ترک‌های آذری	چهارباغ، سرشور، پاچنار	قالی بافی، قماش فروشی، تجارت	خوب تا بسیار خوب
یزدی‌ها	سرشور، ساریان، بالاخیابان	فرش، قماش، چای، تریاک، پوست، بانکداری	بسیار خوب
کرمانی‌ها	-	پشم، شال بافی، طراحی فرش، عطاری	متوسط رو به بالا
قائینی‌ها	بالاخیابان، پایین خیابان	خشکبار، زعفران، زرشک، قنادی	متوسط رو به پایین
نیشابوری‌ها	بازار زرگرها	قالی بافی، فیروزه تراشی، تجارت فیروزه	بالا
تربت حیدریه‌ای‌ها	پراکنده در بازار	بازاریابی و تجارت	متنوع
خاوری‌ها	بازار فرش، سرای سیگاری	تریکوبافی، پوشاک، فرش، برنج	خوب، متوسط، پایین
کولی‌ها	پایین خیابان، نوغان	خراطی، آهن‌گری، غربال‌گری، دوره‌گردی	ضعیف
روس‌ها	خیابان تهران، بازار روس‌ها	تجارت پارچه، ظروف چینی و بلوری، چای	خوب
بخارایی‌ها	بالاخیابان، پایین خیابان	واردات مصنوعات ابریشمی، قند و شکر	خوب
قفقازی‌ها	بالاخیابان	چاپ و نشر، سینما، خیریه، صادرات و واردات	بسیار خوب و بانفوذ
افغانستانی‌ها	پراکنده در بازارها	اسلحه‌سازی، جواهرفروشی، صراف‌ی، بقالی	متنوع (خوب تا بد)
ارامنه	خیابان ارگ، بازار زرگرها	زرگری، اسلحه‌سازی، تجارت پشم و پنبه	خوب (فاقد فقیر)
یهودیان (جدیدالاسلام)	عیدگاه، خیابان ارگ	طلا و فرش فروشی، عتیقه، پوست و چرم	متنوع (بالا تا مضیق)
اهل تسنن	حاشیه شهر	قالی باقی	متوسط رو به پایین

این تبارشناسی اجتماعی - اقتصادی نشان می‌دهد که بازار مشهد یک نهاد یکدست و همگن نبود، بلکه مجموعه‌ای پیچیده از خرده‌فرهنگ‌ها با سرمایه‌های اقتصادی، سطح نفوذ و دغدغه‌های معیشتی متفاوت بود. این تفاوت‌های ساختاری، تأثیر مستقیمی بر نوع نگرش و سطح مشارکت سیاسی هر گروه داشت و طبیعتاً منجر به شکل‌گیری طیف‌های متمایزی در درون بازار در مواجهه با نهاد روحانیت و جریان انقلاب می‌شد.

در این میان، هسته سنتی - مذهبی بازار، متشکل از تجار بزرگ و اصناف ریشه‌دار مانند بسیاری از یزدی‌ها، ترک‌های آذری و قفقازی‌های مذهبی، به دلیل اشتراکات اعتقادی عمیق، وابستگی اقتصادی کمتر به حکومت و بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی بالا، پیوندی ناگسستنی با روحانیت داشتند. این پیوند ریشه در تاریخ داشت، به گونه‌ای که بازاریان و روحانیون به عنوان دو جزء طبقه متوسط سنتی، همواره نیازمند حمایت متقابل بودند: بازار مشروعیت، هدایت و رهبری معنوی می‌گرفت و روحانیت پشتیبانی مالی و اجتماعی دریافت می‌کرد. این رابطه‌ای مکمل و بر پایه اعتماد بود که در دوره پهلوی و با افزایش شکاف بین حکومت و علما، بیش از پیش تقویت شد و جنبه‌ای انقلابی به خود گرفت. از ۱۳۴۲ش به بعد، این اتحاد استراتژیک در سایه رهبری علما و روحانیون مبارزی همچون آیات میلانی و قمی و حجاج الاسلام خامنه‌ای، طبسی و هاشمی‌نژاد فعال‌تر شد. اگرچه طیف‌های دیگری نیز در بازار حضور داشتند - از عمل‌گرایان منفعت‌طلب تا بی‌طرفان - اما همین هسته سنتی - مذهبی بود که با تأمین مالی نهضت، برگزاری مجالس و اجرای فرامین علما، موتور محرک همکاری بازار و روحانیت در مشهد شد و ابعاد مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این پیوند را به نمایش گذاشت.

رابطه بازار با روحانیت

بازاریان و روحانیون جزء طبقه متوسط سنتی محسوب می‌شوند که از دیرباز با یکدیگر تعامل داشته‌اند (مرادی‌جو، ۱۳۹۸: ۱۳۳)، اما این تعامل از دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی نمود بیشتری یافت. در طول تاریخ، نتایج فعالیت‌های توأمان این دو، اغلب با موفقیت همراه بوده است. علت همبستگی بازار و روحانیت شاید نیاز شدید و مبرم این دو گروه به یکدیگر باشد (حسین‌زاده فرمی، ۱۳۹۳: ۱۳۴)، زیرا هر دو نیازمند حمایت و پشتیبانی یکدیگر هستند؛ بازار نیازمند حمایت معنوی و روحانیت نیازمند حمایت مادی. بنابراین، رابطه بازار و روحانیت، رابطه‌ای مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. (سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۸) رابطه مذهبی این دو بر پایه پرداخت وجوهات شرعیه از سوی بازاریان، نیاز بازاریان و اصناف به دانستن مسائل شرعی مربوط به معاملات، رابطه اقتصادی در برطرف کردن اختلافات بین بازاریان و اصناف و تجار، رابطه اجتماعی حمایت معنوی از بازاریان و اصناف و کسب اعتبار در میان کسبه و مشتریان از طریق انتساب به روحانیت و علما و بالعکس و رابطه سیاسی حمایت بازاریان در برابر عمال دیوانی و بازاریان به عنوان صدای روحانیت نقش بسزایی داشتند. در نتیجه این دو مکمل یکدیگر بودند. (رضاپور و ملایی، ۱۳۹۸: ۱۵۰)

روحانیت و مراجع مشهد از روزگاران گذشته در عرصه اجتماعی و سیاسی این شهر فعالیت داشته و بازاریان هم‌پای آنان به فعالیت‌ها ادامه می‌دادند. (متولی حقیقی، ۱۳۹۲: ۱۱۵-۱۲۰؛ سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۲۱۰-۲۱۵) پیش از آغاز نهضت امام خمینی (ره)، حکومت در نزد بازاریان و کسبه مشروعیت نداشت و خواهان مبارزه با حکومت بودند. (آمر، ۱۳۹۹: ۱) در این بین، نقش علمای مشهد بسیار برجسته بود. مراجع و روحانیون این شهر از دیرباز در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی فعال بودند و بازاریان نیز همگام با آن‌ها در میدان عمل حضور داشتند. (جلالی، ۱۳۸۰: ۱۱۲) حتی پیش از آغاز نهضت امام خمینی (ره)، مشروعیت حکومت در نگاه بسیاری از کسبه مشهد مخدوش بود و آنان گرایش به مخالفت با سلطنت داشتند. (نجف‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۴۵) در دوره پهلوی، با افزایش شکاف میان حکومت و علما، بازار عملاً جای حکومت را در پشتیبانی از روحانیت گرفت و این پیوند عمیق، زمینه‌ساز ظهور جریانات انقلابی شد. (رضاپور و ملایی‌توانی، ۱۳۹۹: ۸۰)

از ۱۳۴۲ش و با آغاز نهضت امام خمینی (ره)، ارتباط میان بازار و روحانیت وارد مرحله جدید و فعال تر شد. در مشهد، علمای مبارزی همچون آیات میلانی، قمی، قزوینی، شیرازی، شاهرودی، تهرانی، فلسفی، مروارید، مرعشی، نوغانی و روحانیون مبارزی نظیر حجج الاسلام خامنه‌ای، طبسی، هاشمی‌نژاد، کافی، محامی، کامیاب و فصیحی نقش کلیدی در هدایت مبارزات داشتند. (جلالی ۱۳۸۰: ۲۸۰؛ شمس آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۴) مثلث رهبری مشهد متشکل از حجج الاسلام خامنه‌ای، طبسی، هاشمی‌نژاد، تحت هدایت مراجع برجسته به هماهنگی فعالیت‌های بازار و روحانیت پرداختند. البته در کنار این طیف، گروه‌هایی نیز وجود داشتند که یا حامی رژیم بودند، مانند آیت الله کفایی و آیت الله فقیه سبزواری، یا بنا بر منافع خود، میان دو جناح در نوسان بودند. (همان: ۱۵۶)

از نظر اقتصادی، بازار مشهد ترکیبی ناهمگون از تجار بزرگ و سرمایه‌داران، اصناف متوسط و کسبه خرد بود که هر یک منافع و دغدغه‌های اقتصادی خاص خود را دنبال می‌کردند. (سید قطبی، ۱۳۹۶: ۲۱۰) از منظر قومیتی نیز این بازار متکثر بود و علاوه بر مشهدی‌های اصیل، گروه‌هایی مانند آذری‌ها، یزدی‌ها، کرمانی‌ها، بخارایی‌ها و حتی اقلیت‌های مذهبی مانند ارامنه و یهودیان در فعالیت‌های تجاری شهر سهم داشتند. (نجف‌زاده، ۱۳۹۲) از منظر مذهبی و سیاسی، اگرچه هسته اصلی و سنتی بازار، حامیان پررنگ روحانیت و نهضت بودند، اما مطالعات نشان می‌دهد که طیف‌های دیگری نیز در این بازار فعال بودند. عمل‌گرایان و منفعت‌طلبانی که گاهی مصالحه یا همکاری با حکومت را ترجیح می‌دادند و افراد بی‌طرف که ترجیحشان بر این بود تا از درگیری خودداری کنند. (شمس آبادی، ۱۳۸۴: ۲۴۷) این تنوع در ترکیب بازار باعث می‌شد سطح مشارکت بازاریان در فعالیت‌های انقلابی یکسان نباشد و واکنش‌های متفاوتی در برابر فراخوان‌های روحانیت و فشارهای رژیم از خود نشان دهند. درک این طیف‌بندی برای تحلیل دقیق تعامل بازار و روحانیت و چگونگی شکل‌گیری اجماع انقلابی ضروری است.

در این پژوهش، روابط بازار و روحانیت بر اساس چهار مؤلفه اصلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت که عبارت‌اند از: ۱. روابط مذهبی (شامل مشروعیت بخشی روحانیت به فعالیت‌های بازار و نقش نهادهای مذهبی). ۲. روابط اقتصادی (شامل حمایت‌های مالی بازاریان از نهادهای مذهبی و تأثیر تحریم‌های اقتصادی). ۳. روابط اجتماعی (شامل شبکه‌های ارتباطی و نهادهای واسطه مانند مساجد و هیئت‌ها). ۴. روابط سیاسی (شامل همکاری در سازماندهی اعتراضات و بسیج مردمی). هر یک از این مؤلفه‌ها اگرچه به صورت مستقل قابل تحلیل هستند، اما عملاً در تعامل پیچیده‌ای با یکدیگر قرار داشته و در بسیاری موارد ماهیتی تلفیقی یافته‌اند. با این حال، برای وضوح تحلیلی، در چارچوب این مقاله هر کدام در زیرمجموعه مربوط به خود مورد بررسی قرار خواهند گرفت. این تقسیم‌بندی به درک نظام‌مندتر ابعاد مختلف این رابطه کمک خواهد کرد.

ارتباط مذهبی بازار و روحانیت

رابطه مذهبی بازار و روحانیت در مشهد بر بستر تعامل تاریخی این دو نهاد با نهادهای مذهبی نظیر مساجد و مدارس علمیه شکل گرفت. این ارتباط که ریشه در ساختار مذهبی شهر و مجاورت بازار با حرم مطهر رضوی داشت، بر پایه عناصر متعددی از جمله پرداخت وجوهات شرعیه توسط بازاریان، (رضوی، ۱۳۸۹: ۱۹۴) رجوع آنان به علما برای استفتاء در امور معاملات (تقی‌زاده، بی‌تا: ۴)، حضور برخی از بازاریان در حوزه‌های علمیه و حتی ملیس شدنشان به لباس روحانیت و مشارکت در برگزاری مناسبت‌های مذهبی بنا شده بود. (رحیم‌پور ۱۳۸۸: ۴۱) در مقابل، روحانیت نیز به صورت فعال در این مناسک شرکت داشته و با حضور در مجالس عزاداری و جشن‌های مذهبی جایگاه معنوی خود را در میان کسبه تحکیم می‌بخشیدند. (جلالی، ۱۳۹۲: ۲۶)

از ۱۳۴۲ش، همزمان با آغاز نهضت امام خمینی (ره)، این ارتباط عمق بیشتری یافت. بازاریان مشهد به‌طور گسترده

مراسم عزاداری، جشن و مجالس مذهبی را در منازل شخصی^۱ (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۴: ۵۰؛ مراسم، ۱۳۰۲: ۷۰) یا در تکایا^۲ (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷: ۱۲۰؛ اسناد ساواک، ۴۷/۱/۳۰) برگزار نموده و روحانیون را برای سخنرانی و روضه خوانی دعوت می‌کردند.^۳ (مراسم، ۱۳۰۵: ۱۳۵۱؛ مراسم، ۱۳۱۱: ۱۳۵۱) این مراسم‌ها به‌ویژه در دهه ۵۰ شمسی افزایش مشهودی داشت. دعوت متقابل روحانیون از بازاریان به مجالس خصوصی در بیوت علما^۴ (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷: ۲۵۰) نشان می‌دهد که این رابطه دوسویه کاملاً فعال و مداوم بوده است. در این مجالس، علما به سخنرانی، تفسیر آیات و روضه خوانی می‌پرداختند و بازاریان در آن حضور منظم داشتند. افزون بر مجالس بزم و عزا، جلسات صلوات ماهانه و دوره‌های قرآن نیز در منازل بازاریان برگزار می‌شد. (ساکماق، خادم الخمسه: ۳۸)

از ۱۳۴۸ش، رساله‌های امام خمینی (ره) از عراق توسط برخی از کسبه مشهد، به نام آیت‌الله شاهرودی وارد ایران گردید و در شبکه بازار پخش شد. (همان) بازاریان در مساجد کلیدی مشهد، به‌ویژه آن‌هایی که پایگاه فعالیت انقلابی بودند، مانند مسجد کرامت، مسجد گوهرشاد و مسجد فیل، در جلسات تفسیر قرآن، ترجمه، شرح معارف مذهبی و نهج‌البلاغه شرکت فعالی داشتند.^۵ با اجرای طرح توسعه فلکه حضرت، برخی از مدارس علمیه مهم مشهد نظیر میرزا جعفر، دو درب، بالاسر، پیرزاده تخریب و طلاب به مدارس تقویه، محمدیه و عسگریه منتقل شدند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹: ۳-۵؛ ساکا، ۱۲۷۴-۱۶-۱۷) با این حال، حمایت بازاریان ادامه یافت. تجار مشهد و تهران با اجاره منازل مسکونی برای طلاب، به تداوم آموزش در شرایط دشوار کمک کردند؛ اقدامی که با هماهنگی افرادی مانند علی‌اصغر عابدزاده صورت گرفت (همان). این همگرایی‌های مذهبی و شبکه حمایتی میان بازار و روحانیت، زمینه‌ساز تقویت سرمایه اجتماعی و آماده‌سازی بستر برای نقش‌آفرینی سیاسی این دو نهاد در دهه‌های پایانی حکومت پهلوی شد. نکته مهم در این میان، حضور طیف‌های متنوع بازاریان مشهد بود. از تجار بزرگ و سرمایه‌داران مذهبی تا اصناف متوسط و کسبه خرد، هر یک به‌نوعی در حمایت از برنامه‌های مذهبی مشارکت داشتند. همچنین، گروه‌هایی با گرایش‌های متفاوت -از مذهبیان سنتی و حامیان روحانیت تا عمل‌گرایان منفعت‌طلب یا بی‌طرف- در این شبکه حضور داشتند. (نجف‌زاده، ۱۳۸۸؛ سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۲۲۴) این تنوع باعث می‌شد سطح مشارکت در برنامه‌های مذهبی

۱. در ۱۳۴۲ش روضه‌ای در منزل کریمی کرایچی منعقد و آقایان طبسی و کهربایی به منبر رفتند. در تیر این سال که مصادف با ایام فاطمیه بود، به مدت ده روز ابتدا در منزل هاشم عدالتی و بعد در سرای شاه‌وردیخان و سپس در حسینیه بزازها مجالسی را جهت عزاداری برگزار کردند.
۲. در مورخه ۱۳۴۷/۲/۱۹، هیئت عزاداران صنف کاشی‌فروش در منزل حسین زرینه‌باف تشکیل شد که در این جلسه شیخ احمد کافی و سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد درباره مسائل مذهبی صحبت کردند.
۳. در ۱۳۵۱ش عده‌ای از اصناف از احمد کافی دعوت کردند برای ایام فاطمیه به مشهد بیاید و در تکیه بزازها، سرای گمرک و مسجد فیل سخنرانی کند.
۴. در منازل روحانیت و علما روضه خوانی برگزار می‌شد و بازاریان در این مجالس شرکت می‌کردند.
۵. در ۱۳۴۰ش و ۱۳۴۱ش آقای خادم‌الخمسه قماش‌فروش، حاج آقا خزعلی را برای روضه خوانی دعوت کرد که با ساواک روبه‌رو شدند و ایشان را بالباس مبدل فراری داده و به قم فرستادند.
۶. در مسجد امام حسن (ع) که توسط کسبه خیابان فردوسی تأسیس شده بود، جلسات تفسیر قرآن، ترجمه و شرح معارف مذهبی با دعوت از حجت‌الاسلام خامنه‌ای برپا می‌شد و کسبه محل و دیگر بازاریان به این مسجد برای شنیدن تفسیر قرآن می‌آمدند. با ساخت مسجد کرامت توسط حاجی کرامت، حاجی غنیان و سرشته‌دار به حجت‌الاسلام طبسی پیشنهاد امام جماعت این مسجد را دادند و با امتناع طبسی به حجت‌الاسلام خامنه‌ای پیشنهاد می‌شود و ایشان می‌پذیرند. جلسات بعدی درس حجت‌الاسلام خامنه‌ای به مسجد کرامت منتقل شد. این مسجد یک ویژگی داشت و آن نزدیکی به حرم و دیگر اینکه پایگاه کسبه، طلاب و دانشجویان بود.

و انقلابی متفاوت باشد و در نتیجه برخی فعالیت‌ها با حمایت گسترده پیش برود، درحالی‌که گروه‌هایی دیگر محتاط یا حتی متمایل به حکومت باقی‌ماندند.

در ادامه این روند، رابطه مذهبی به بستر مهمی برای تقویت مناسبات اقتصادی نیز بدل شد. کمک‌های مالی بازاریان به مدارس مذهبی، حمایت از طلاب و مشارکت در برگزاری برنامه‌های مذهبی جلوه‌ای از پیوندی بود که از اعتقاد مذهبی نشئت می‌گرفت و پایه‌گذار تقویت ابعاد اقتصادی این رابطه شد. این همگرایی‌های مذهبی و شبکه حمایتی میان بازار و روحانیت، علاوه بر تقویت سرمایه اجتماعی، بستر مناسبی برای نقش‌آفرینی سیاسی این دو نهاد در دهه‌های پایانی حکومت پهلوی فراهم آورد.

ارتباط اقتصادی بازار و روحانیت

رابطه اقتصادی میان بازار و روحانیت، یکی از ارکان مهم هم‌افزایی این دو نهاد سنتی بود که موجب تعمیق تعاملات و افزایش وابستگی متقابل آنان شد. بازار به واسطه جایگاه مالی و گستردگی صنوف، پشتیبانی اقتصادی مهمی از روحانیت به عمل می‌آورد (جلالی، ۱۳۹۲: ۳۲۲) و در مقابل، روحانیت با حمایت معنوی، مشروعیت بخشی و تقویت هویت مذهبی بازار، به این پشتیبانی پاسخ می‌داد. در بسیاری از موارد، برخی از کسبه و بازاریان به صورت داوطلبانه هزینه‌های برگزاری مراسم مذهبی، چاپ اعلامیه‌ها و حتی پروژه‌های مذهبی را متقبل می‌شدند. (ساکماق، عبدالرضا غنیان: ۷۶۷۲) بازار مشهد مجموعه‌ای یکدست و منفرد نبود، بلکه از طیف‌های متنوع صنفی، اقتصادی و اجتماعی تشکیل شده بود که منافع و گرایش‌های متفاوتی داشتند. این تنوع در ترکیب گروه‌های تجاری، از بازرگانان بزرگ تا کسبه خرد، به پیوند آنان با روحانیت ابعاد پیچیده‌ای می‌بخشید و موجب می‌شد که حمایت مالی از این نهاد نیز از طریق شبکه‌های مختلفی صورت گیرد. (نجف‌زاده، ۱۳۸۸)

در جریان مبارزات انقلابی، کسبه و بازاریان مشهد، دفعات متعددی به حمایت مالی از نهضت پرداختند.^۱ اسناد تاریخی نشان می‌دهد که آنان در هماهنگی کامل با روحانیون، اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مالی برای ساخت و توسعه مساجد می‌نمودند که به کانون‌های فعالیت‌های انقلابی تبدیل شده بودند.^۲ (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۴: ۱۱۳؛ ساکا، ۹/۱۱۷۰۷ه: ۳) بر اساس شواهد موجود، بخش قابل توجهی از هزینه‌های ساخت مساجد مهم و تأثیرگذار، توسط تجار و کسبه مشهد تأمین گردید. (ساکماق، حسین عاشوری: ۵۴؛ عبدالرضا غنیان: ۷۶۷۲) بازاریان مشهد همچنین با تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه به نام‌های جاوید و امام حسن مجتبی (ع) (رضاپور و ملایی، ۱۳۹۸: ۱۱۶) زیر نظر حجج‌الاسلام عبدالکریم هاشمی‌نژاد و مهدی نوغانی، به طلاب و روحانیون کمک‌های مالی مستقیم می‌نمودند. (ساکا، شماره ۹/۴۲۳۳ه: ۱) این صندوق‌ها علاوه بر کارکرد اقتصادی، به شبکه‌هایی غیررسمی برای پشتیبانی از نهاد دین تبدیل شده بودند و در جلسات محرمانه‌ای که در منازل برخی از روحانیون مبارز تشکیل می‌شد، تجار و کسبه مبالغ قابل توجهی را در اختیار علما قرار می‌دادند. (ساکا، شماره ۷/۱۱۷/۱۴۷، ۵۰۱/۵۰۲، ۲) از جمله مصداق برجسته این ارتباط، حمایت بازار از سفرهای منظم هیئتی از بازاریان و روحانیون مشهد به قم برای دیدار با امام خمینی (ره) در بهمن ۱۳۵۷ بود که تمامی هزینه‌های این سفرها، از تدارکات و ایاب و ذهاب تا اقامت، توسط بازار تأمین می‌شد.^۳ (همان) این

۱. عده قلیلی از بازاری‌ها به طور محرمانه مبلغ پنج هزار ریال جمع‌آوری شده که بین شیخ عباس طبسی و محمدرضا محامی تقسیم گردید، چون این دو نفر در مضیقه هستند.

۲. یکی از بازاری‌ها به نام کریمی، ۷۰۰ تومان به عاشوری و حجت‌السلام کامیاب داد که به روحانیت بدهند.

۳. در یکی از این دیدارها، ۴۰۰ نفر از بازاریان به همراه روحانیت به ملاقات آیت‌الله خمینی (ره) رفتند و حاجی کرامت در آنجا چکی را به ایشان دادند.

حمایت‌ها نه تنها نشان‌دهنده ارتباط مالی فعالی میان این دو قشر بود، بلکه از شکل‌گیری یک ساختار موازی حمایتی در برابر نهادهای رسمی حکومتی نیز حکایت می‌کرد.

در ۱۳۵۲ش، پس از شایعه‌ای مبنی بر تخریب منزل آیت‌الله قمی، گروهی از بازاریان مشهد از جمله حاج غلامرضا صراف‌زاده و حاج رضا عبادی، با جمع‌آوری حدود ۲۰۰ هزار تومان، اقدام به خرید منزل جدیدی برای ایشان کردند. (ساکماق، سید مهدی مصطفوی: ۳۰؛ ساکا، بی‌شماره: ۳) این اقدام نمونه‌ای روشن از حمایت مالی بازار در بزنگاه‌های حساس سیاسی و اجتماعی بود. همچنین، هزینه‌های ضبط، تکثیر و توزیع نوارها و اعلامیه‌های امام خمینی (ره) و دیگر علما، توسط بازار تأمین می‌شد. در این راستا، برخی حجره‌ها و مغازه‌ها در بازار به مراکز پنهان تکثیر این محتواها بدل شده بود. (ساکماق، محمود خادم‌الخمسه: ۳۸) با وجود این حمایت‌ها، برخی بازاریان در ۱۳۵۷ش نارضایتی خود را از تعطیلی‌های پیاپی بازار ابراز کردند. در اسنادی از همان سال، نامه‌هایی ثبت شده که نشان می‌دهد برخی کسبه از فشار اقتصادی ناشی از اعتصابات گلایه‌مند بوده‌اند. (ساکا، شماره ۲۵/۲۶۶۸؛ ۲: ۵۸۶۱، ۱۵۸۶، ۱۳۵۷) در مجموع، رابطه اقتصادی بازار و روحانیت از سطح تعاملات ساده معیشتی فراتر رفت و به پیوندی ساختاری و راهبردی با فعالیت‌های انقلابی و سیاسی روحانیت بدل گشت، پیوندی که در ادامه مسیر نهضت، زمینه‌ساز همگرایی اجتماعی گسترده‌تر در مشهد شد.

ارتباط فرهنگی - اجتماعی بازار و روحانیت

در ادامه بررسی ابعاد پیشین رابطه بازار و روحانیت، اکنون به تبیین بعد اجتماعی و فرهنگی این پیوند دوسویه و تأمل برانگیز می‌پردازیم؛ بعدی که نقش مهمی در مشروعیت‌بخشی اجتماعی و تقویت جایگاه هر دو قشر در جامعه ایفا کرده است. این رابطه، نه تنها بر پایه باورها و ارزش‌های مشترک مذهبی شکل گرفت، بلکه در زیست جهان فرهنگی و ساختارهای اجتماعی میان اصناف و علما به صورت درهم‌تنیده ظهور یافت. فعالیت‌های فرهنگی بازار و روحانیت، جلوه‌های متعددی داشت، از برگزاری مناسک و مراسم مذهبی، آموزش و تبلیغ اندیشه‌های مذهبی تا ترویج کتاب‌ها و آثار مکتوب روحانیون. (حسین‌زاده فرمی، ۱۳۹۳: ۱۳۴) حضور مستقیم بازاریان در مسیرهای فرهنگی روحانیت مانند تحصیل در مدارس مذهبی، شرکت در جلسات وعظ و منبر و مشارکت در مجالس عزاداری و جشن‌های مذهبی، از نمونه‌های بارز این بعد فرهنگی است. (ساکماق، عبدالرضا غنیان: ۷۴۷۲) بازار با فراهم‌سازی زمینه برای برگزاری مراسم و دعوت از علما و روحانیون برجسته (آرشیو سازمان اسناد انقلاب اسلامی، بی‌شماره، ۴۲/۸/۲۷)، به تثبیت نقش فرهنگی روحانیت و گسترش مفاهیم مذهبی در جامعه کمک کرد. نقش بازار در نشر و توزیع آثار مراجع مذهبی، به‌ویژه در دهه ۴۰ شمسی، مشهود بود. کسبه علاوه بر حمایت از چاپ و تکثیر سخنرانی‌ها، در توزیع منظم این محتواها در بازار و محلات نیز فعال بودند. (ساکماق، محمود خادم‌الخمسه: ۳۸) این فعالیت‌ها، بازار را به بازوی رسانه‌ای قدرتمند روحانیت در گسترش پیام‌های مذهبی و انقلابی تبدیل کرد.

از سوی دیگر، روابط اجتماعی میان بازار و روحانیت پایدار و دوسویه بود. هم‌جواری مکانی، تعاملات روزمره و رفت‌وآمدهای خانوادگی میان بازاریان و روحانیون باعث شکل‌گیری روابط خویشاوندی نیز شد، چنانکه ازدواج‌های متقابل علاوه بر ابعاد خانوادگی، بعد نمادین مشروعیت‌بخشی متقابل را نیز به همراه داشتند. (بهبودی، ۱۳۹۳: ۳۰) مراجع و علما نیز در سفرهایشان به مشهد، معمولاً در منازل کسبه متدین اقامت می‌کردند. (ساکماق، محمود خادم‌الخمسه: ۳۸) حمایت‌های اجتماعی بازار فراتر از کمک‌های مقطعی بود و مشارکت آنان در فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی تحت مدیریت روحانیون، نمونه‌ای از این همدلی محسوب می‌شد. برای مثال، همکاری برخی بازاریان از جمله محسن محسنیان، حاج کاظم تدین، ابراهیم شایسته، حاج عبدالرضا غنیان، حاج علی طوسی، غلامرضا قدسی، حسن قاسمی،

حاج ابراهیم یزدانیان، قاسم سروی‌ها، محمود اکبرزاده با حجت‌الاسلام خامنه‌ای در انتشارات کتب کانون نشر حقایق اسلامی و آثار امام خمینی (ره)، نمادی از این همبستگی بود. (رضایپور و ملایی، ۱۳۹۸: ۱۷۱)

برخی از محلات بازار مشهد، به‌ویژه بازار فرش فروش‌ها واقع در خیابان خسروی، محل فعالیت افراد نیکوکاری همچون آقایان حاج عباس براتی، صفاریان و خزایی بود که منازل و مغازه‌هایشان به پناهگاه امن مبارزان و روحانیون تحت تعقیب ساواک بدل شده بود. در برخی موارد، پیوند میان این دو قشر از جنس رابطه خوف و رجا محسوب می‌شد. به این معنا که بازاریان در عین احترام و دل‌بستگی به مرجعیت مذهبی، نگران از دست دادن حمایت یا مواجهه با بی‌مهری روحانیون بودند. این موضوع در ۱۳۴۲ش در ماجرای روز دهم خردادماه این سال که منجر به کشته شدن مأموران شهربانی توسط یکی از کسبه شد، نمود یافت. آیت‌الله قمی و آیت‌الله میلانی از محمد حسینی اعلان برائت می‌کنند که این نشان‌دهنده عدم مشروعیت از طرف علماست، اما از طرفی حمایت و پشتیبانی علما، باعث تغییر حکم قضایی حسینی شد. در این قضیه نوعی خوف و رجا در میان است. (ساکماق، خادم‌الخمسه: ۳۸) نمونه‌های دیگری از ابعاد اجتماعی این رابطه در بحران‌های طبیعی مانند زلزله کاخک در ۱۳۴۷ش و زلزله طبس در ۱۳۵۷ش مشاهده می‌شود که بازار و روحانیت به‌صورت مشترک وارد عمل شدند. گروه‌های مشترک از مسجد کرامت، اولین نیروهای اعزامی برای امداد بودند. (ساکماق، محمدتقی غنیان: ۲۱؛ ساکماق، علی شمقدری: ۶۱) مدیریت میدانی این عملیات را حجج‌الاسلام کامیاب، خامنه‌ای، فرزانه، عامری و اسدی بر عهده داشتند. علاوه بر کمک‌های مالی که از سوی آیات عظام قمی و شیرازی ارسال می‌شد، این گروه‌ها تأمین اقلام، بسته‌بندی و ارسال غذا و پوشاک را نیز بر عهده داشتند. (ساکماق، جواد نعیمی: ۵۰؛ عبدالرضا غنیان: ۷۲-۷۶) نهایتاً این همراهی به تشکیل گروه «امداد و روحانیت» منجر شد که عملیات پشتیبانی منطقه‌ای را مدیریت می‌کرد. (ساکماق، عبدالرضا غنیان: ۷۶۷۲)

در تحولات سیاسی نیز روابط اجتماعی بازار و روحانیت نقش مهمی داشت. در دی‌ماه ۱۳۵۷ و در پی سرقت‌ها و ناامنی‌ها، روحانیون با حمایت از کسبه و دفاع از تعطیلی‌های اعتراضی آنان، وابستگی هویتی بازار به روحانیت را تقویت کردند. بازاریان با نصب تصاویر آیات شیرازی، قمی و خمینی (ره) در مغازه‌ها، این پیوند را آشکار ساختند. (اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۰؛ ساکا، بی‌شماره: ۴) رابطه فرهنگی-اجتماعی میان بازار و روحانیت در مشهد، حلقه‌ای پیوسته و درهم‌تنیده بود که بر پایه هویت مذهبی-اجتماعی مشترک شکل گرفت و از طریق مناسک، رفتارهای جمعی، نمادها و مناسبت‌های مذهبی بازتولید می‌شد. این پیوند نه تنها بستر تعمیق نفوذ اجتماعی و فرهنگی بود، بلکه زمینه‌ساز هماهنگی و سازمان‌یافتگی در عرصه‌های سیاسی نیز گردید. درواقع، بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی، ریشه در این تعامل دوسویه داشتند و موفقیت آن‌ها مرهون همین رابطه مستحکم بود.

ارتباط سیاسی بازار و روحانیت

در میان ابعاد گوناگون تعامل بازار و روحانیت، بعد سیاسی نمود بیشتری یافته است، اما این نمود در بستر پیوندهای دیرینه فرهنگی و مذهبی قابل‌درک و تبیین است. بااین‌حال، باید توجه داشت که این روابط سیاسی، در اصل حاصل پیوندهای پیشین فرهنگی و مذهبی ریشه‌دار طی سال‌ها میان این دو نهاد بود. رفتارهای سیاسی بازار و روحانیت، جلوه‌ای از انسجام اجتماعی-مذهبی آنان در برابر سلطه سیاسی رژیم محسوب می‌شد. بازاریان مشهد در طول تاریخ معاصر، به‌ویژه از دوره مشروطه به بعد، در بسیاری از عرصه‌های سیاسی، در کنار روحانیت قرار داشته و از آنان پشتیبانی کرده‌اند. (سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۱۹) این رابطه در برهه‌هایی چنان مستحکم شد که نقش‌های صنفی و مذهبی را درهم شکست و کنشگران این دو حوزه را به یک بدنه مبارز واحد تبدیل کرد. پیوند فرهنگی و مذهبی این دو قشر، بستر تعاملات سیاسی‌شان را فراهم ساخت و باعث شد واکنش به رویدادهای سیاسی نیز شکلی مشترک و هماهنگ یابد.

تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، نقطه عطفی در تحکیم این رابطه بود. در این دوره، امام خمینی (ره) پیام‌هایی را خطاب به علما و بازاریان شهرهای مختلف، ازجمله مشهد، ارسال کردند. پیام شفاهی ایشان به بازاریان از طریق حجت‌الاسلام سید جواد علم‌الهدی منتقل شد. (باقری، ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۳۶) بازاریان در واکنش، با ارسال نامه‌هایی به مراجع و علما، ناراحتی خود را نسبت به مصوبات سیاسی ابراز می‌داشتند (اسناد انقلاب اسلامی، بی‌تا: ۴۰/۱-۴۱) و برای اعلام نارضایتی، کسب اجازه جهت تعطیلی بازار را از علما طلب کردند. (ساکا، شماره ۰۰۹۱۲۰۰۶: ۵-۱)

با آغاز نهضت، اگرچه در ابتدا حرکت‌های بازار مشهد کند و محدود بود (مراسمان، سید هادی خامنه‌ای: ۶۶۱)، اما دعوت‌های مکرر از سوی حجت‌الاسلام طبعی^۱ (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۴: ۳۰؛ ساکا، شماره ۱/۰۳۱۹م الف: ۱۱) و برخی علما برای پایداری و حضور در میدان، سبب تحرک بیشتر شد^۲ (ساکا، گزارش اطلاعات داخلی: ۱). بازاریان مشهد، به‌ویژه در مقاطع حساس سیاسی، با تبعیت از فتاوی علما، اقدام به تعطیلی بازار، تحصن، راهپیمایی و حمایت مالی و رسانه‌ای از مبارزات روحانیت می‌کردند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۱۸۰) بازار مشهد همواره بازاری مذهبی و هوشیار بود. در مواقعی همچون رفراندوم‌ها (مراسمان، مصاحبه با حیدر رحیم‌پور)، چنانچه علما دستور به عدم شرکت می‌دادند، کسبه از آن تبعیت می‌کردند. این تعامل سیاسی در بیوت علما تداوم داشت؛ جایی که بازاریان با گرایش‌های مختلف سیاسی تجمع نموده و از جدیدترین اخبار و اعلامیه‌ها مطلع می‌شدند. (مراسمان، بی‌شماره: ۳۴۸) روابط سیاسی بازار و روحانیت مشهد، ترکیبی از خوف و رجا بود، به‌گونه‌ای که اگر بازاریان تخلفی انجام می‌دادند، علما بی‌درنگ از آن اعلان برائت می‌کردند (خراسان، ۱۳۴۲/۳/۱۵: ۱) و درعین حال، در برابر فشارهای حکومت از آنان حمایت می‌نمودند. (اطلاعات، ۱۳۴۲/۳/۱۴: ۲) مورد محمد حسنی، قاتل مأمور شهربانی، نمونه‌ای بارز از این رویکرد است. در خاطراتش گفته است که اعلان برائت مراجع برایش سخت‌تر از شکنجه بوده است. (مراسمان، محمد حسنی، ۱۳۶۳۷؛ باقری، بی‌تا: ۷۴-۷۵) ماجرای این موضوع پیش‌تر و در بعد اجتماعی مطرح شده است. در جریان بزرگداشت وقایع سیاسی ازجمله پانزدهم خرداد (مراسمان، ۵۸/۱۹۷، ۵۷/۱۰/۸)، آیات عظام با صدور اعلامیه‌هایی خواستار تعطیلی بازار شدند. (روحبخش، ۱۳۸۱: ۱۰۸، ساکا، شماره ۱۰۹/۷۸۹۸: ۲) در مواردی نیز با آزادی علما از زندان، علما و روحانیون مشهد از مردم و کسبه می‌خواستند به استقبال آنان بروند (ساکا، ۲۱۰: ۱) و این همراهی با جشن‌های خیابانی همراه بود. بازاریان و طلاب در تجمعات خیابانی، با شعارهایی در حمایت از امام خمینی (ره)، علیه دولت وقت اقدام می‌کردند. (مراسمان، شماره ۰۰۱۲۲۲۱۲: ۴۴/۷/۴)

یکی از بسترهای مهم حضور مشترک روحانیت و بازار، برگزاری مجالس ترحیم برای چهره‌های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بود. این مراسم‌ها برای افرادی همچون حجت‌الاسلام کافی، دکتر شریعتی و دیگر چهره‌های مؤثر انقلاب توسط این دو گروه برگزار می‌شد که گاه به رویارویی با نیروهای ساواک می‌انجامید. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷: ۸۴) همچنین، در اعتراض به دستگیری علما و محاصره منازل آیات عظام، کسبه بازار مشهد اقدام به تعطیلی‌های گسترده نمودند (مراسمان، ۲۰۵۵۰۳۷، ۵۷/۶/۲۴؛ خراسان، ۲/۸۵۲۲)، همان‌گونه که در جریان درگذشت دکتر شریعتی، حادثه مسجد فیل و وقایع ۱۵ خرداد نیز سابقه داشت. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۱۷۶) با این حال، گاهی بنا بر مصالح، برخی از مراجع از آنان می‌خواستند که به فعالیت‌های اقتصادی خود ادامه دهند. (خراسان، ۸۵۲۳) همراهی

۱. متن سند بدین شرح است: «آقایان تجار! برای خدا و امام زمان قدم بردارید، از چه می‌ترسید. همچنین طلاب و نوکران فدائی امام زمان! تا آخرین قطره خون خود کوتاهی نکنید»

۲. متن گزارش به این شرح است: «شما کسبه بازار از آن مسلمانانی هستید که صبح دکان خود را باز می‌کنید و تا شب بیست تومان کار کرده و پس از آن دکان خود را ببندید و نزد زن و بچه خود بروید، ولی حاضر نیستید برای دین قیام کنید و حتی یک شب به زندان بروید، شما چطور مسلمانید، بیایید و بیدار شوید. دین شما رو به نابودی می‌رود تا کی خواب باشید.»

سیاسی روحانیت و بازار تا آنجا پیش رفت که در سفرها، دیدارها و نشست‌های سیاسی، این دو گروه در کنار هم حضور می‌یافتند. (اسناد ساواک، ۵۹/۹۶۷۶، ۵۲/۶/۱) دیدار با علما در مشهد یا شهرهای تبعید شده، ازجمله مصداق این تعامل بود، همچون دیدار خصوصی امام خمینی (ره) با آیت‌الله قزوینی در قم که برخی از کسبه مشهد نیز در جلسه حضور داشتند. (ساکماق، عبدالرضا غنیان: ۷۶۷۲)

بازاریان مشهد در حمایت از رهبر نهضت، طوماری در تأیید ایشان امضا و به قم ارسال کردند. (همان) آنان همچنین مجالس عزاداری و مذهبی را در منازل^۱ (مراسمان، ۵۱۳۰۲۰۲، ۵۱/۴/۱۸) یا تکایا (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷: ۳۰۰؛ ساکا، بدون شماره: ۲) برگزار و از روحانیون برای سخنرانی دعوت می‌کردند. به عنوان نمونه در ۱۳۴۷/۲/۱۹، هیئت عزاداران صنف کاشی فروش در منزل حسین زرینه باف تشکیل شد که در این جلسه شیخ احمد کافی و سید عبدالکریم هاشمی نژاد درباره مسائل مذهبی صحبت کردند. همچنین، حجت الاسلام هاشمی نژاد ۱۰ شب در منزل آقای کراچیان و ۵ شب در منزل آقای فاطمی و ۲ شب قبل از حادثه در مسجد فیل متوالیاً سخن گفتند و در ۱۳۵۱ ش عده‌ای اصناف احمد کافی را برای ایام فاطمیه به مشهد دعوت نمودند تا در تکیه بزازها، سرای گمرک و مسجد فیل سخنرانی نماید. (جلالی، ۱۳۸۵: ۴۰۰، ۴۲۰) همچنین در تیرماه همان سال که مصادف با ایام فاطمیه بود، به مدت ده روز ابتدا در منزل هاشم عدالتی و بعد در سرای شاه‌وردیخان و سپس در حسینیه بزازها مجالسی را جهت عزاداری برگزار کردند (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷: ۹۴) در مقابل، علما نیز مجالسی در بیوت خود برگزار برپا داشتند (مراسمان، ۵۱۳۰۲۰۰، ۵۱/۳/۳۱، ساکا، شماره ۱۵: ۰۱۳۱۱۰۲) که بازاریان در آن شرکت می‌کردند. به عنوان نمونه در ۱۳۴۰ ش و ۱۳۴۱ ش خادم‌الخمسه قماش فروش، حاج آقا خزعلی را برای روضه خوانی دعوت کرد که با ساواک روبه‌رو شدند و ایشان را با لباس مبدل فراری داده و به قم فرستادند. (ساکماق، محمود خادم‌الخمسه: ۳۸) این مجالس گاه با حساسیت ساواک روبرو می‌شد و به برخی برخوردهای امنیتی یا بازداشت برگزارکنندگان منجر می‌گردید. (مرکز اسناد تاریخی، ۲: ۱۰۲/۸)

نقش بازار در توزیع اعلامیه‌های علما و رهبران انقلاب نیز پررنگ بود. این اعلامیه‌ها پس از چاپ به روش‌های خلاقانه در سطح شهر توزیع می‌شدند، ازجمله درون جعبه کفش، پیت روغن، طاقه پارچه و غیره پنهان شده (ساکماق، عبدالرضا غنیان: ۷۶۷۲؛ مراسمان، ۵۷/۹/۲۹) و در میان مردم پخش می‌گردید. بخشی از این اعلامیه‌ها برای پخش، به مکتب نرجس^۲ ارسال و توسط بانوان انقلابی توزیع می‌شد. (ساکماق، محمدتقی غنیان: ۱۲) افزون بر این، با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب، اصناف و روحانیون با همراهی سایر گروه‌ها، نهادهایی همچون «دادگاه ملی» را در مشهد بنیان نهادند که ریاست آن با حجت الاسلام طبسی بود. (اسناد ساواک، ۱۲۰-۴۶، ۵۷/۹/۲۹) در دی ماه ۱۳۵۷، موجی از ناامنی‌های شبانه و سرقت منازل ازجمله در خانه آیت‌الله قمی، سبب شد تا کسبه در اعتراض، دست به تحصن بزنند (جلالی، ۱۳۸۵: ۴۶۷؛ خراسان، ۵۷/۱۰/۲۷: ۱) و از مراجع درخواست تدبیر کنند. در این دوره، کسبه، حکومت نظامی و شهربانی را عامل اصلی این ناهنجاری‌ها می‌دانستند. (خراسان، ۸۵۴۹: ۲) در یکی از این حوادث، مأموری که در لباس شخصی وارد محل شده بود، توسط یکی از جوانان بازاری شناسایی و پس از درگیری، کشته شد؛ واقعه‌ای که منجر به واکنش گسترده نیروهای امنیتی شد^۳. (تسنیم، ۱۹/۱۱/۱۳۹۴)

۱. «در سال ۱۳۴۲ شمسی روضه‌ای در منزل کریمی کرایچی منعقد و آقایان طبسی و کهربایی به منبر رفتند.»

۲. فاطمه خاموشی فرزند محمد خاموشی از تجار تهران و مشهد است. برادر او یکی از تنوریسین‌های سازمان مجاهدین خلق در مشهد بود. فاطمه خاموشی پس از ازدواج با آقای طاهایی فامیلش را به طاهایی تغییر داد. همسرش یکی از بازاریان مشهد بود. پس از مدتی مکتب نرجس را برای خواهران در مشهد تأسیس کرد. از این رو، به واسطه همسرش با بازاریان مشهد در جریان‌های انقلابی ارتباط داشت.

۳. «در مذاکراتی که انجام شده با همکاری اصناف، بازاریان، فرهنگیان و دانشگاهیان و روحانیون، دادگاهی به نام دادگاه ملی در شهر مشهد تشکیل که ریاست آن را شیخ طبسی بر عهده دارد. نحوه کار بدین ترتیب است که در گوشه و کنار شهر، تعدادی از جوانان

با بازگشت امام خمینی (ره) در ۶ بهمن، گروه‌هایی از اصناف، پیشه‌وران، بازاریان و روحانیون مشهد برای استقبال از ایشان به تهران رفتند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۱۸۰؛ جلالی، ۱۳۷۷: ۴۷۸) بخشی از آنان در دانشگاه تهران تحصن کرده و علیه دولت بختیار شعار دادند. بازاریان مشهد همچنین با چاپ اطلاعیه‌ها و آگهی‌هایی در روزنامه‌های سراسری، ورود امام و پیروزی انقلاب را به ملت تبریک گفتند. امام خمینی (ره) نیز در پیام‌هایی از اصناف و بازار به خاطر نقش آفرینی در نهضت انقلابی ایران تقدیر کردند. (ساکماق، محمود خادم‌الخمسه: ۶۱) در مجموع، از آغاز ۱۳۵۷ش، رابطه بازار و روحانیت، بیش از پیش وجه سیاسی به خود گرفت. (رضاپور و ملایی، ۱۳۹۸: ۱۲۹) با این حال، این بعد سیاسی، نه یک علت مستقل، بلکه نتیجه طبیعی پیوندهای عمیق مذهبی و فرهنگی میان دو گروه بود. حمایت‌های بازار از روحانیت در مقاطعی حتی فراتر از حمایت‌های روحانیت از بازار بود. در برخی موارد، تندروری‌هایی از سوی بخشی از بازاریان، موجب گلایه علما می‌شد. این اختلاف‌نظرها که بیشتر بر روش‌ها بود تا اصل مسیر، هرگز به گسست رابطه نینجامید. (عابدی و پورقیومی، ۱۳۹۵: ۱۰۴) عمق این پیوند به گونه‌ای بود که ساواک در گزارش‌هایش هشدار داده بود در صورت بازداشت علما، باید هم‌زمان چند تن از بازاریان نیز دستگیر شوند تا از اعتصاب و اعتراضات گسترده جلوگیری شود.

نتیجه

بررسی تعامل بازار و روحانیت مشهد در بازه ۱۳۵۳-۱۳۵۷ش نشان داد که پیوند این دو نهاد نه تنها به صورت سنتی و تاریخی برقرار بود، بلکه در جریان انقلاب اسلامی به مرحله‌ای تازه و تعیین‌کننده رسید. در بعد مذهبی، بازار با برگزاری حمایت از مجالس مذهبی، هیئت‌ها و مراسم سوگواری توانست بستری برای انتقال پیام‌های علما فراهم آورد و دینداری را به نیرویی سیاسی-اجتماعی بدل کند. در بعد اقتصادی، بازاریان با تأمین مالی فعالیت‌های روحانیت، حمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی و تخصیص سرمایه به اعتراضات مردمی، ستون فقرات مادی جنبش را تشکیل دادند. در بعد اجتماعی-فرهنگی، بازار به محل تلاقی افکار، شایعات، اعلامیه‌ها و گفت‌وگوهای روزمره مردم با علما بدل شد و به عنوان رسانه‌ای زنده و فراگیر عمل کرد. در بعد سیاسی نیز همسویی بازار و روحانیت به سازمان‌دهی اعتصابات، اعتراض‌ها و تحریم‌ها انجامید و رژیم پهلوی را در مشهد با چالش‌های جدی مواجه ساخت. نتایج این پژوهش فرضیه اصلی را تأیید می‌کند: همکاری بازار و روحانیت در مشهد توانست موتور محرک اعتراضات مردمی علیه رژیم پهلوی باشد و پیوند سنتی این دو نهاد، در سال‌های پایانی حکومت، کارکردی انقلابی یافت. مشهد به واسطه جایگاه مذهبی و تمرکز بازار در کنار حرم رضوی، نمونه‌ای شاخص از این همکاری را به نمایش گذاشت. از این رو می‌توان گفت که مطالعه موردی مشهد نشان می‌دهد انقلاب اسلامی تنها محصول کنش سیاسی نخبگان نبود، بلکه از درون ائتلاف تاریخی بازار و روحانیت برآمد، ائتلافی که توانست توده‌های مردم را در ابعاد مذهبی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بسیج کند و به سقوط نظام سلطنتی سرعت بخشد. این پژوهش همچنین نشان داد که مطالعه تعامل نهادهای سنتی در بسترهای محلی می‌تواند درک عمیق‌تری از فرآیندهای بسیج مردمی در انقلاب اسلامی ارائه دهد.

کم و سن و سال که روی بازوی آن‌ها علامت مأمور انتظامات است، در پوشش برقراری نظم و ترافیک، شماره اتومبیل‌هایی به آنان داده شده تا ضمن چک کردن اتومبیل‌ها، چنانچه به یکی از این شماره‌ها برخورد کردند، سوت می‌زنند، سپس تعداد ۴ الی ۵ نفر چریک مسلح موتوری که موفق به دستگیری وی نگردند، حداقل ماشین را آتش می‌زنند.»

- باقری، علی. (۱۳۸۷). *خاطرات ۱۵ خرداد (دفتر هشتم: خاطرات حجت الاسلام سید جواد علم الهدی)*. تهران: حوزه هنری.
- بهبودی، هدایت الله. (۱۳۹۰). *شرح اسم: زندگی نامه آیت الله سید علی خامنه ای (۱۳۱۸-۱۳۵۷)*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- تقی زاده محمد. (بی تا). «نقش مسجد در احراز هویت اسلامی شهر». *مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد: افق آینده*. ج ۲. تهران: دانشگاه هنر.
- جلالی، غلامرضا. (۱۳۷۷). *تقویم تاریخ خراسان از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جلالی، غلامرضا. (۱۳۸۷). *مشهد در بامداد نهضت امام خمینی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جلالی، غلامرضا. (۱۳۹۲). *انقلاب اسلامی در مشهد*. تهران: سازمان اسناد انقلاب اسلامی.
- جلالی، غلامرضا. (۱۳۹۲). «چالش های علمای مبارز مشهد با رژیم پهلوی». *نقش مشهد در انقلاب اسلامی*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۳). *مشهد از مقاومت تا پیروزی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسین زاده فرمی، مهدی. (۱۳۹۳). *تعامل روحانیت و بازار*. تهران: سخنوران.
- حیدر رحیم پور ازغدی. (۱۳۸۸). *از انجمن پیروان قرآن تا انجمن حجتیه (سیر تحول انجمن های مذهبی از شهرپور ۱۳۲۰ تا کنون)*. تهران: طرح فردا.
- رضاپور، هدی. (۱۳۹۸). «بررسی حضور بازاریان و اصناف مشهد در پیروزی امام خمینی (ره)». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- روحبخش، رحیم. (۱۳۸۱). *نقش بازار در قیام ۱۵ خرداد*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سید قطبی، سید مهدی. (۱۳۹۶). *تاریخ معاصر مشهد به روایت محمد احتشام کاویانیان: از انقلاب مشروطیت تا سال ۱۳۴۰*. قم: مجمع ذاکرین اسلامی.
- شمس آبادی، حسن. (۱۳۸۴). «نقش علمای مشهد در انقلاب اسلامی». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. قزوین: دانشگاه بین المللی قزوین.
- عابدی اردکانی، محمد و پورقیومی، حمید. (۱۳۹۵). *نقش بازار در پیروزی انقلاب اسلامی ایران (با تأکید بر بازار تهران)*. تهران: موسسه اندیشه کامیاب ایرانیان.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. (۱۳۷۷). *یازان امام به روایت اسناد ساواک: شهید حجت الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد*. تهران: وزارت اطلاعات.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. (۱۳۹۴). *یازان امام به روایت اسناد ساواک: آیت الله عباس واعظ طبسی*. تهران: وزارت اطلاعات.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. (۱۳۷۹). *رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک: عبدالعظیم ولیان*. تهران: وزارت اطلاعات.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. (۱۴۰۰). *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: خراسان رضوی*. ج ۸.

تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.

- نجف‌زاده، علی. (۱۳۹۲). گروه‌های مهاجر به مشهد از صفویه تاکنون. مشهد: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
- نجف‌زاده، علی. (۱۴۰۳). تاریخ اقتصادی مشهد (از دوره ناصری تا انقلاب اسلامی). ج. ۱. مشهد: بوی شهر بهشت.

اسناد

- آرشیو سازمان اسناد انقلاب اسلامی
- بدون شماره، ۴۲/۸/۲۷

مراسمان

- شماره ۰۱۳۰۲۰۰۲، تاریخ ۱۳۵۱/۴/۱۸.
- شماره ۰۱۳۱۱۰۱۵، تاریخ ۱۳۵۱/۵/۲۰.
- شماره ۰۳۰۸۴۰۳۷، تاریخ ۱۳۵۷/۸/۳۰.
- شماره ۰۱۵۸۶۰۶۱، تاریخ ۱۳۵۷/۶/۱.
- شماره ۴۰/۱-۴۱، بی‌تا.

مرکز اسناد ساواک

- شماره ۹/۱۱۷۰۷، ۱۳۵۶/۶/۱۲.
- شماره ۹/۴۲۳۳، ۱۳۵۳/۴/۱۳.
- شماره ۵۰۱۰۲/۱۷/۱۴۷، ۱۳۵۷/۸/۲۲.
- شماره ۲۵/۲۶۶۸، ۱۳۵۷/۷/۱۵.
- شماره ۰۰۹۱۲۰۰۶، ۱۳۴۱/۱۲/۳۰-۱۳۴۲/۱/۱.
- شماره ۹/۷۸۹۸، ۱۳۵۷/۶/۱۶.
- شماره ۹/۹۶۷۶، ۱۳۵۲/۶/۱.

روزنامه‌ها

- اطلاعات، ۱۳۴۲/۳/۱۴، ۱۳۵۷/۱۰/۲۰.
- خراسان، شماره ۸۵۲۲، ۸۵۲۳، ۸۵۴۹.

مصاحبه‌ها

- مرکز تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی
- خادم‌الخمسه، محمود، شماره پرونده ۳۸.
- شمس‌قدری، علی، شماره پرونده ۶۱.
- غنیان، عبدالرضا، شماره پرونده ۷۶۷۲.
- غنیان، محمدتقی، شماره پرونده ۲۱.
- نعیمی، جواد، شماره پرونده ۵۰.
- مصطفوی، سید مهدی، شماره پرونده ۳۰.

References

- Bagheri, Ali. (2008). *Memoirs of 15 Khordad (Book Eight: Memoirs of Hojjat al-Islam Seyyed Javad Alam al-Hoda)*. Tehran: Howzeh Honari.
- Behboudi, Hedayatollah. (2011). *Sharh-e Esm: Biography of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (1939-1978)*. Tehran: Institute for Political Studies and Research.
- Taghizadeh, Mohammad. (n.d.). "The Role of the Mosque in Establishing the Islamic Identity of the City." *Proceedings of the Second International Conference on Mosque Architecture: Future Horizons*. Vol. 2. Tehran: University of Art.
- Jalali, Gholamreza. (1998). *Chronology of Khorasan's History from the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution*. Tehran: Center for Islamic Revolution Documents.
- Jalali, Gholamreza. (2008). *Mashhad at the Dawn of Imam Khomeini's Movement*. Tehran: Center for Islamic Revolution Documents.
- Jalali, Gholamreza. (2013). *The Islamic Revolution in Mashhad*. Tehran: Organization of Islamic Revolution Documents.
- Jalali, Gholamreza. (2013). "Challenges of Mashhad's Activist Clergy with the Pahlavi Regime." *The Role of Mashhad in the Islamic Revolution*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad.
- A Group of Authors. (2014). *Mashhad: From Resistance to Victory*. Tehran: Center for Islamic Revolution Documents.
- Hosseinzadeh Farmi, Mehdi. (2014). *The Interaction of the Clergy and the Bazaar*. Tehran: Sokhanvaran.
- Heidar Rahimpour Azghadi. (2009). *From the Association of Followers of the Quran to the Hojjatieh Association (The Evolution of Religious Associations from September 1941 to the Present)*. Tehran: Tarih-e Farda.
- Rezapour, Hoda. (2019). "An Examination of the Presence of Bazaaris and Guilds of Mashhad in the Victory of Imam Khomeini." Master's Thesis. Tehran: Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution.
- Rouhbakhsh, Rahim. (2002). *The Role of the Bazaar in the 15 Khordad Uprising*. Tehran: Center for Islamic Revolution Documents.
- Seyyed Qotbi, Seyyed Mehdi. (2017). *Contemporary History of Mashhad as Narrated by Mohammad Ehtesham Kavyaniyan: From the Constitutional Revolution to 1961*. Qom: Islamic Zakerin Assembly.
- Shamsabadi, Hassan. (2005). "The Role of Mashhad's Clergy in the Islamic Revolution." Master's Thesis. Qazvin: International University of Qazvin.
- Abedi Ardakani, Mohammad & Pourqayoumi, Hamid. (2016). *The Role of the Bazaar in the Victory of the Islamic Revolution of Iran (with Emphasis on the Tehran Bazaar)*. Tehran: Andisheh Kamyab Iranian Institute.
- Center for the Study of Historical Documents of the Ministry of Intelligence. (1998). *Companions of Imam According to SAVAK Documents: Martyr Hojjat al-Islam Seyyed Abdolkarim Hasheminejad*. Tehran: Ministry of Intelligence.
- Center for the Study of Historical Documents of the Ministry of Intelligence. (2015). *Companions of Imam According to SAVAK Documents: Ayatollah Abbas Vaez Tabasi*. Tehran: Ministry of Intelligence.
- Center for the Study of Historical Documents of the Ministry of Intelligence. (2000). *Figures of the Pahlavi Era According to SAVAK Documents: Abdolazim Valian*. Tehran: Ministry of Intelligence.
- Center for the Study of Historical Documents of the Ministry of Intelligence. (2021). *The Islamic Revolution According to SAVAK Documents: Khorasan Razavi*. Vol. 8. Tehran: Center for the Study of Historical Documents.
- Najafzadeh, Ali. (2013). *Immigrant Groups to Mashhad from the Safavid Era to the Present*. Mashhad: Research Center of the Islamic Council of Mashhad.
- Najafzadeh, Ali. (2024). *Economic History of Mashhad (From the Naseri Period to the Islamic Revolution)*. Vol. 1. Mashhad: Boy-e Shahr-e Behesht.

Documents

Archive of the Organization of Islamic Revolution Documents

No number, 27/8/42

Letters: No. 01302002, dated 18/4/1351; No. 01311015, dated 20/5/1351; No. 03084037, dated 30/8/1357; No. 01586061, dated 1/6/1357; No. 1/40-41, n.d.

SAVAK Document Center

No. 11707/9 H, 12/6/1356; No. 4233/9 H, 13/4/1353; No. 147/17/02/501, 22/8/1357; No. 2668/25 H, 15/7/1357; No. 00912006, 30/12/1341–1/1/1342; No. 7898/9 H 1, 16/6/1357; No. 9676/9 H, 1/6/1352.

Newspapers

Ettela'at, 14/3/1342, 20/10/1357.

Khorasan, Issues No. 8522, 8523, 8549.

Interviews

Center for Oral History of Astan Quds Razavi

Khadem al-Khamseh, Mahmoud, File No. 38.

Shamghadri, Ali, File No. 61.

Ghaniyan, Abdolreza, File No. 7672.

Ghaniyan, Mohammad Taqi, File No. 21.

Naimi, Javad, File No. 50.

Moštafari, Seyyed Mehdi, File No. 30.